

نسخه خوانی (۱۶)

۱۸-۳۱

رسول جعفریان
استاد دانشگاه تهران

Skimming Manuscript (16)

By: Rasool Ja'fariān

Abstract: In the form of the sixteenth article of a series of publications titled “Skimming Manuscripts”, the author has scrutinized the texts of several manuscripts. These texts are as follow:

- How much is a camel fare from Jeddah to Mecca?
- E'temād od-Dowle: Qurchi Bashi can attend an Imperial House party while not covering his head
- A manuscript of *Bukhāri* endowed to Astan-e Quds, available in Parliament library
- A Qajari document from Kermjgan (Qom).
- The right way for Shah Sultan Hussein Safavid.

Key words: Skimming manuscripts, manuscript, reading the texts.

قراءات في المخطوطات (۱۶)

الخلاصة: يقدم الكاتب في مقاله الحالي . الذي يمثل الحلقة السادسة عشرة من سلسلة مقالاته عن المخطوطات . نصوص عدٍ من النسخ مع ملاحظاته النقدية عليها.

والنصوص هي:

١. ما هو مبلغ كراء العبير من جدة إلى مكة ؟

٢. اعتماد الدولة: يجوز لمسؤول الأسلحة (القورچي باشي) الحضور حاسرا الرأس في مجالس اللهو والمآدب الملكية.

٣. نسخة من كتاب البخاري موقوفة للعتبة الرضوية موجودة في مكتبة مجلس الشورى الإسلامي.

٤. إحدى الوثائق القاجارية عن قرية (كرمجان) الواقعة في ضواحي مدينة قم.

٥. الطريق الصحيح للشاه السلطان حسين الصفوي . المفردات الأساسية: مطالعة المخطوطات، المخطوطة، قراءة النصوص.

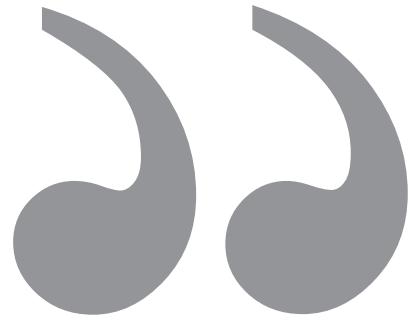
چکیده: نویسنده در نوشتار حاضر در قالب شانزدهمین سلسله انتشارات با عنوان نسخه خوانی، متن چند نسخه را مورد مذاقه قرارداده است. این متون بدین شرح اند:

کرایه شتراز جده تامکه چند است؟
اعتماد الدوله: قورچی باشي می تواند با سربرهنه در

مجلس بنم شاهنشاهی حاضر شود
نسخه از کتاب بخاری وقف آستان قدس، موجود در
کتابخانه مجلس

یک سند قاجاری از کرمجگان قم
راه راست برای شاه سلطان حسین صفوی

کلیدواژه: نسخه خوانی، نسخه خطی، خوانش متون



کرایه شتراز جده تا مکه چند است؟

این روزها سندی در لابه لای مجموعه اسنادی از دوره قاجاری دیدم که مربوط به سال ۱۳۲۴ است و موضوع آن به صورت خاص درباره مسئله کرایه شتربرای زائرانی است که از جده قصد رفتن به مکه معظمه را داشته‌اند، راهی که تقریباً هفتاد کیلومتر است.

این زمان، قونسول ایران، مفخم السلطنه بوده و چنان‌که در این سند آمده، تلاش کرده است تا با هماهنگی با امیر مکه، مبلغ ثابتی را برای کرایه شتر شامل ده مجیدی قرار دهد تا در حق حجاج ایرانی اجحافی صورت نگیرد. با این حال، در میان حجاج ایرانی، چنان‌که می‌دانیم، یکسره این شایعات بود که این مبلغ زیاد است و جنرال قونسول سهمی برای خود از آن برمی‌دارد.

متن زیر برای تکذیب این شایعات تنظیم شده و ضمن آن گفته شده است در حالی که زائران کشورهای دیگر، هجدہ مجیدی برای کرایه شتراز جده تا مکه می‌دهند، ایرانی‌ها فقط ده مجیدی سفیدی می‌دهند.

روشن است که ایرانی جماعت نباید این حرف‌ها را باور کند؛ چون از اساس معتقد است که همه دولتی‌ها دزد هستند. بنابراین مفخم السلطنه بیچاره این متن را نوشت و از شماری از افراد متشخص از تاجر و روحانی، مجتهد و واعظ، آن هم از عرب و عجم، خواسته است تا مطالب اورا گواهی کنند. آنها هم یک‌به‌یک. بیشتر به فارسی و پرسی به عربی گواهی کرده‌اند که مطالب درست و حرمت حجاج ایرانی به خاطر فعالیت‌های مفخم السلطنه محفوظ است. این گواهان هر کدام متنی را کوتاه یا بلند نوشته و مهر خویش را در پایان آن زده‌اند.

برای من فارغ از اطلاعاتی که در این سند درباره حج هست، این روحیه ما ایرانی‌ها هم مهم هست که هیچ‌گاه به هیچ نوع رفتار دولتی اعتماد نداریم و چنان‌که عرض شد، آنها را اغلب شریک دزد می‌دانیم.

این سند در مجموعه‌ای از اسناد آمده که به شماره ۱۴۸۱ در کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

متن سند

از حجاج ذوی الاحتجاج والاحترام تبعه دولت جاوید آیت ایران که به عزم طوف بیت الله الحرام زادها الله شرفا و تعظیماً وارد بندر جده می‌شوند، استدعا می‌رود که قبل از عزیمت به طرف مکه مکرمه کرایه شتر را از تبعه سایر دولی که هر روز هزاران نفر از جده به مکه می‌روند، سؤال فرمایند تا اینکه به عموم تبعه دولتی علیه ایران ثابت گردد که کرایه

شترایرانی ارزان تراز کرایه تبعه سایر دولت است.

از اهالی جاوه و هندوستان و مصر و ترکستان و بخارا، از هجده مجيدی سفید به هرشتر کرایه می‌گيرند و تبعه ايران بيشتر از ده مجيدی نمی‌دهد. آن هم از نتيجه اقدامات مجданه جنرال قونسولگری و مخابرات کتبی و تلگرافی که با امارات جلیله مگه مکرمه شده است می‌باشد، و عین تلگرافات که در خصوص کرایه و آسايش حجاج ايران از امارات مکه رسیده، در جنرال قونسولگری حاضر است. هر کس از تبعه ايران بخواهد بیبیند، به دفترخانه جنرال قونسولگری رجوع نماید تا اينکه اين همه خدمات و زحمات گماشتگان جنرال قونسولگری جده که در آن ولايت متتحمل گرمابی اعتدالی آب و هوا شده و شب و روز مشغول فراهم آوردن اسباب سهولت مسافرت حجاج می‌باشد، در نزد اولیائی دولت عليه ووكلاي محترم ملت معظمه مخفی و پوشیده نمانده، منظور نظر بشود.

و تمامی اهل جده و عموم حجاج می دانند که کرایه شتر حجاز در وقت حج، از طرف امارات مکه مکرمه به جهت تبعه هر دولت معین می شود و کرایه شتر را شیخ علی جمال که وکیل امیر مکه است، می گیرد. از او هم سؤال نمایند تا اینکه مشخص و محقق گردد که از بایت کرایه شتر و غیره دیناری به جنral قونسولگری عاید ننمایشود.

و ثانیاً خواهش می شود در جده از طرف گماشتگان جنرال قونسولگری، به موجب اعلان وزارت جلیله خارجه و سفارت کبری اسلامبول از حجاج ایرانی غیراز سه تومان وجه امضا که در مقابل آن تمربسه تومانی چسبانده می شود، اگر دیناری نامشروع به اسم دیگر گرفته می شود در حاشیه همین ورقه مرقوم نمایند.

[گواہی بر صحت اظہارات جنرال قونسول]

حسن کفایت و خیرخواهی حضرت اجل نسبت به تمام حجاج و عابرین واضح است. [محل مهر]

انصافاً حسن سلوك جناب مبارك الله عز وجل اكرم افخم وكفایت ورعايت از حجاج در هذه السنة موجب رفاهیت
ومزيد اعتبار ملت و دولت شد. فی تاریخ شهرشہر ذی قعده الحرام ۱۳۲۴ [محل مهر]

هو الله تعالى

مراتب مسطوره از گرفتن وجه تذکره جده سه تومن و کرایه شترعرفات و جده نه و ده مجیدی، تماماً صدق محض و محض صدق است. واقعاً از حسن کفایت و درایت ایشان کمال امتنان و دعاگویی دولت جاوید مدت را عامه حجاج دارند. اقل خادم الشریعه محمدعلی الحسینی [محل مهر]

مراتب مسطوره به قراری است که آیات مرقوم فرموده اند. هزاران مرحبا دارد. امیر شاه پرست اعتماد الاسلام [محل
مهر]

بسمه تعالى

نعم، ما في هذه الورقة صحيح وشاهدنا من حضرة القنصل [القنصل] مفخم السلطنه دام اقباله الاهتمامات الازمه لتسهيل امور رعية الدولة العلية الايرانية، بل وجوده نافع لعلوم الشيعة، خصوصاً في مني وعرفات لما صار موقفين، هو بنفسه يحافظ على عموم الشيعة وكرمة الجمال بامر جناب مفخم السلطنه دام مجده العرب والعمجم حال واحد، ولا فرق بينهما. حرّة الاقل هادي نجل كليدار روضة الحيدرية عليها الاف الصلوة والتضحية. [محل مهر]

نعم الامر كما حزّر و سطّر في هذه الورقة، و أنا الاقل محسن خادم روضة الحيدرية سرکشیک. [محل مهر]

مراتب مسطور از گرفتن تذکره جده و کرایه شتر عرفات از حسن کفایت حضرت مستطاب اجل اکرم آقای مفخم
السلطنه حفظه الله تعالى می باشد. اقل الوعاظین وله الحمد! اشرف الذکرین. [محل مهر]

مراتب مسطوره ذيل به قراری است که مرقوم شده و بعد از مراجعت از منا و عرفات حمله دارها از حاجاج ایران کرایه خیلی زیاد مطالبه می کردند و مزید جناب جنرال قنسول از این مطلب مطلع شدند، از امارات مکه مکرمه کرایه مقطوعه حکومت را تحقیقات کردند، حکم نمودند، در مکه جار کشیدند که کرایه عرب و عجم سرنشین نه مجیدی، کجاوه نه مجیدی نیم است. از این اقدامات جناب مستطاب اجل آقای حاجی مفخم السلطنه عموم حاجاج ایران آسوده شدند و از شر حمله داران و شترداران خلاص شدند. خداوند به این وجود محترم متدين توفيق عطا فرمایند. عبدالمذنب خادم الشريعة [محل مهر]

این دعاگوی دولت و ملت شهادت می‌دهد به اینکه مضمون همین ورقه صحیح، و جناب مستطاب اجل اکرم حاجی مفخم السلطنه. حفظه الله تعالى .مراقبت را در آسایش حاجاج ایران دارند والحمد لله حاجاج ایرانی در خاک حج자از یمن کفایت این شخص غیور و ملت پرست، از تبعه سایر دول محترم و معززتر است، به غیر از سه تومنان وجه امضا از حاجاج ایرانی، به هیچ اسم و رسم دیناری گرفته نمی‌شود. ان شاء الله عهد کردم که مراتب حسن خدمات جانب قنسول را بعد از مراجعت به ایران در منابر بره عموم برسانم. اقل السادات عبدالله الحسینی فخر الذاکرین.

اعتمادالدوله: قورچي باشى مى تواند
با سربرهنە در مجلس بزم شاهنشاهى حاضر شود

در میان فرامین و احکام باقی‌مانده از دوره صفوی نکات ظریف و لطیف فراوانی هست که می‌تواند در شناخت تاریخ اجتماعی این دوره مهم باشد، به طوری که اگر همه منشآت باقی‌مانده منتشر می‌شد، می‌توانستیم مطمئن باشیم که به بخش‌های مهمی از تاریخ اجتماعی این دوره مهم تاریخی پی بردیم. یکی از صدھا بل بیشتر. مورد، حکم زیراست که از طرف اعتمادالدوله وقت برای عیسی خان قورچی باشی، یکی از بلندپایه‌ترین رجال این دوره و در اصل گرجی، در رمضان سال ۱۳۰۸، چند ماه پس از درگذشت شاه عباس که در جمادی الاولی همان سال گذشت، صادر شده است. نام عیسی خان در بسیاری از منابع تاریخی دوره عباسی اول آمده و از فعالیت‌های فراوان او یاد شده است. از حکم زیر چنین به دست می‌آید که اعتمادالدوله به خاطر حرمتش، اورامجاز دانسته است با سریرهنه در مجالس شاهی نشسته و در واقع راحت باشد. در این متن از «رسوم عادت پرستان» و نیز

شـبـیـ آـدـجـوـاـمـ بـعـدـ مرـدـ نـ	ـکـلـیـ درـدـیـ کـشـیـ الـتـوـدـوـدـ اـنـ
هـمـانـ جـامـ صـراـحـیـ دـاشـتـ «ـرـوـتـ	چـهـیـمـ یـارـ مـجـنـوـرـ وـنـیـسـتـ
چـوـمـنـ غـرـقـ مـحـیـطـ روـسـیـاـ هـیـ	بـدـ وـکـفـتـمـ کـوـانـیـ کـشـتـیـ تـبـاـ هـیـ
واـزـایـتـ نـتـ حـبـرـسـرـ آـخـرـ	بـیـزـ کـرـدـیـ بـاـنـیـرـ وـمـنـکـرـ اـخـرـ
بـغـیرـاـزـ سـاقـ کـوـثـرـنـدـ اـنـمـ	بـگـفـتـمـ جـوـمـیـ وـسـ غـرـنـدـاـنـ
خـنـاـکـ اـفـتـاـ دـهـ دـرـتـ اـزـ کـشـیـنـیـ	چـوـنـامـ سـ قـیـ کـوـثـرـنـیـشـهـ
درـفـرـدـ وـسـرـبـ رـوـیـمـ گـشـتـ دـندـ	عـوـدـ اـقـشـیـنـ اـزـ کـفـ نـهـاـ دـندـ
بـصـدـ لـفـتـ وـ دـاعـمـ کـرـدـ کـیـغـشـتـ	چـوـکـلـ خـنـدـاـنـ بـرـوـیـ مـنـکـفـشـهـ
بـروـنـوـشـتـ نـ رـوـزـ قـیـامـتـ	نوـبـایـنـ سـ قـصـبـ کـرـتـ

«تكلفات خاصه» و همین طور «آداب ظاهريپستان» ياد شده و به عيسى خان اجازه داده شده است تا «رفع حجاب و كشف نقاب كرده» با «سربرهن» در «محافل خاص»، كه اغلب همان مجلس بزم اختصاصي است شركت كند. در اين حكم از «آداب دانان بزم شاهنشاهي» كه گويا افرادي بوده اند كه مسئوليت داشته اند تا افراد را وادر كنند تا حرمت اين مجالس را رعایت كرده و حتماً با عمامه و دستار در آن حضور يابند، خواسته شده تا كاري به مشاراليه نداشته باشند.

سود رقمي كه نواب مستطاب وزارت و اقبال پناه اعتمادالدوله العاليه العاليه به جهت رفع تكلفات در مجلس بهشت آيین نوشته حکم جهان مطاع شد:

آن كه چون مطعم نظر خجسته اثر رفع تكلفات ظاهري و خلع رسوم عادت پرستان صوريست، لهذا از غایت عنایت شاهنشاهي و نهايیت مرحمت ظل اللهی درباره سعادت و صفت و ايالت پناه شوکت و حشمت و جلالت دستگاه، عاليجاده مسيح للسيادة والصفوة والإيالة والأقبال عيسى خان فورچي باشي كه بدولت دوام ملازمت ما سرافراز و به مزيد اختصاص از عالميان ممتاز است، مقرر فرموديم كه از تقيد رسوم و آداب ظاهريپستان عريان گشته، بي تکلفانه در بزم همایيون سربرهن نشيند و تکلفات ظاهري كه شيوه نزديکان و محمرمان نیست، از خود دور دارد. بنابرین، آداب دانان بزم شاهنشاهي، مشاراليه را در ارتکاب تکلفات مخصوص دانند كه از غایت محبت و نهايیت محروميت رفع حجاب و كشف نقاب نموده او را در محافل خاص و بزم اختصاص از رسوم ظاهري عريان ساخته ايم. تحريرا في شهر رمضان المبارك سنه ۱۰۳۸

نام ساقی کوثر و اکنش نکیر و منکر

جنگ محمد بیکا، یکی از جنگ‌های خوبی است که از دوره صفوی مانده است. او طی سال‌های متمادی در دو سه دهه اول قرن دوازدهم، از عالمان و خطاطان و ... خواسته است مطلبی در این جنگ بنویسند. یک مورد، شعری است که ذیلًا ملاحظه می‌فرمایید و در فریم ۲۵ این جنگ آمده است:

شیبی آمد بخوابم بعد مردن
همان جام صراحی داشت در دست
چون من غرق محیط روسیاهی
واز ایشانت چه آمد برس رآخر؟
بغیر از ساقی کوثر ندانم
بخاک افتاده دست از من کشیدند
در فردوس بر رویم گشادند
بصدالفت و داعم کرده گفتند:
برومی نوش تا روز قیامت!

یکی دردی کش آلوده دامن
چو چشم یار مخمور و سیه مسست
بدو گفتم که ای گشتی تباہی
چه کردی با نکیر و منکر آخر
بگفتم جرمی و ساغر ندانم
چون نام ساقی کوثر شنیدند
عمود آتشین از کف نهادند
چو گل خندان به روی من شکفتند

آگاهی‌های تازه درباره آثار ضدصوفیه در دوره صفوی

متن زیر از کتابی بنام **کفاية العاقلين** فی معرفة المبتدعین گرفته شده است؛ نامی که در فهرستگان فنخا (۴۸۴/۲۶) نیامده است. این متن به صورت یادداشت پشت نسخه‌ای در آغاز کتاب **السهام المارقة** [نسخه اهدایی طباطبائی در مجلس، ش ۵۲۱] درج شده و به نظرمی رسید حاوی اطلاعات بالرژشی در موضوع خود است.

متن حاضر حاوی اطلاعات کتابخانه‌ای درباره آثاری است که پیش از عصر صفوی و در آن دوره، در موضوع رد تصوف نوشته شده است. داده‌های این کتاب رامی توان به چند بخش تقسیم کرد.

الف) کتاب‌های رد صوفیه که پیش از صفویه نگارش شده است.

ب) آثاری که در دوره صفویه نوشته شده است.

ج) توضیحاتی درباره کتاب حدیقة الشیعه و اشاره به تردیدهایی که درباره بخش رد تصوف آن وجود دارد.

ارزش این یادداشت یادکردن از اسامی تعدادی کتاب است که طبعاً می‌باید درباره آنها و اینکه آیا نسخه‌ای از آنها موجود مانده است یا خیر، تحقیق شود.

به نظرم احتمال اینکه یادداشت ذیل توسط ملام محمد طاهر قمی نوشته شده باشد هست. در اینجا چنان از او یاد می‌کند که گویا شخص دیگری درباره وی گزارش می‌دهد، اما این رسم در نوشته‌های ملام محمد طاهر به خصوص آثار ضد صوفی او هست. وی کتاب بزرگی را به اسم مستعار علیه صوفیه نوشته و این رویه را در آنجا هم رعایت کرده است. در این باره اصرار نداریم، اما حدس آن است که این متن را اونوشته است. جالب است که از کتاب کفایة العاقلین در جایی یاد نشده است. هر چند ممکن است بعد از درآثار خود ملام محمد طاهر نشانی از آن به دست آید.

متن پادداشت:

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

صاحب رسالة *كفاية العاقلين في معرفة المبتدعين* میگوید: بدان ای عزیز که پیش از این پرگان علمای شیعه از

متقدمین و متأخرین، کتاب در این باب پسیار نوشته‌اند.

[کتاب‌های رد صوفیه بیش از صفوی]

از جمله کتابهایی که در آن، بیان حال کل این طائفه ضالّه یا بعضی از ایشان کرده‌اند، کتاب ادیان و مملک [بیان ادیان] است که امام زاده واجب التعظیم عبید الله بن موسی بن احمد بن محمد بن الامام محمد التقی. علیه الصلوٰة والسلام. تأثیف نموده و در آن کتاب، بسیار کسی را از اصحاب ائمه معصومین (علیهم السلام) نام برد که در بعضی از کتابهای خود مذکوت کل این طائفه کرده‌اند، و بعد از چند کلمه می‌گوید که: دیگر کتاب الزد علی اصحاب الحلاج است که شیخ مفید (علیه الرحمه) تأثیف نموده و آن کتابی است مشتمل بر احادیث کثیره، همه در رد طایفه مبتدعه.

ديگر کتاب الاقتصاد و کتاب الغيبة و کتاب رجال شیخ ابو جعفر طوسی است.

وكتاب قرب الاسناد على بن بابويه قمي، وكتاب اعتقادات، وكتاب مرشد پرسش شیخ ابو جعفر قمی، وكتاب بیان الادیان که قبل از این مذکور شد، وكتاب ایجاز المطالب، وكتاب هادی الى النجاة ابن حمزه، وكتاب نهج الحق و کشف الصدق علامه، وكتاب احتجاج شیخ طبرسی، وكتاب اعتقاد دوریستی، وكتاب الفصول التامة، وكتاب اسرار الامامة، وكتاب مطاعن المجرمية که شیخ علی بن عبدالعال نوشته، وكتاب عمدة المقال که فرزندش شیخ حسن [کرکی] تأليف نموده، وكتاب حدیقة الشیعه که ملا احمد اردبیلی نوشته.

[کتاب‌های دوره صفوی]: و در این زمان نیز بسیار کسی از فضلای شیعه کتابها و رساله‌ها مشتمل بر مذمت این فرقه نوشته‌اند، مانند: کتاب بضاعة التجارة، و کتاب توضیح المشربین و کتاب فضایح المبتدعه، و کتاب نصیحة الکرام، و کتاب تسلیة الشیعه و کتاب عین الحیاة که ملام محمد باقر پسر ملام محمد تقی نوشت، و کتاب درر الاسرار، و کتاب دره فاخره، و کتاب مسلک المرشدین، و کتاب مقصد المهدتین، و کتاب ذخیرة المؤمنین، و کتاب شهاب المؤمنین، و رساله ارغام، و رساله نزول الصواعق، و رساله سیوف حاده، و رساله ثقوب الشهاب، و رساله اعلام المحبین، و کتاب سهام مارقه که شیخ علی نبیره شیخ شهید نوشت، و کتاب تحفه الاخیار که بعد از اینها همه ملام محمد طاهر شیخ الاسلام قم نوشت، و از برای شاه عباس ثانی. انار الله برهانه. فرستاده تا حقیقت حال صوفیه براو ظاهر گردد. تمم ما نقل من الرسالة الموسوعة بکفاية العاقلين رحمة الله على مؤلفها وعلى جميع المؤمنين.

[درباره کتاب ملام محمد طاهر]: پس بدان ای عزیز که ملام محمد طاهر در پشت کتاب تحفه الاخیار فهرستی قلمی گردانیده که مشتمل است بر چندین مطلب. از آن جمله نوشته است که مطلب بیست و ششم در ذکر عبارات کتاب حدیقة الشیعه است و این عبارات مشتمل است بر مذمت تصوف و اهل تصوف. و این کتاب مشهور است که از تصانیف صاحب کمالات علمی و عملی مولانا احمد اردبیلی است. تمام شد نقل کلام ملام محمد طاهر.

[تردید در بخش رد تصوف حدیقة الشیعه و پاسخ آن]: دیگر بدانکه از بعضی از مردمان معتبر شنید که احمدیک یوزباشی کتاب حدیقة الشیعه که در زمان مصنف نوشته شده داشته، و معلوم نشد که از میان بدرفتنه یا به کتابخانه پادشاه انتقال یافته، و در این ایام روزی، کتابی که در حیدرآباد هند از حدیقة الشیعه ملا احمد انتخاب کرد بودند، در یکی از دکانهای کتاب فروشان به نظر رسید، و در بسیار جایی این کتاب را گمان دارد که در زمان مصنف نوشته شده، کسانی که از برای دنیا و آش و حلوا از پی مبتدع افتاده‌اند، چیزهای سیار می‌گویند گوش به سخن ایشان نمی‌توان کرد، حتی از همه راهی که بازمی‌مانند می‌گویند شیخ صفوی است، و ندانسته‌اند که حضرت شیخ صفوی را به این طایفه واشان را به حضرت شیخ صفوی (قدس الله سره) نسبتی نیست. والسلام علی من اتبع الهدی.

بـ لـ بـ لـ بـ لـ بـ لـ

صاحب رساله کنایه العاقلين في معرفة المبتدعین میکوید بدان ای عزیز که پیش اذین بزرگان علمی شیعه از
متقدمین و متاخرین کتاب درین باب بسیار فوشه اند از جمله کتاب هایی که دران بیان حال کل این طائف ضاله یا بعضی
از ایشان کرده اند کتاب ادیان و ملل است که امازرازه واجب المتعین عبید الله بن موسی بن احمد بن الامام محمد بن
علیه الصلوٰه والسلام تأثیف خوده دران کتاب بسیار کمی را از اصحاب المأمورین علیهم السلام نام برده که در بعضی از
کتابهای خود مذمت کل این طائفه کرد و بعد از چند کلمه میکوید که دیگر کتاب از عمل اصحاب الملاح است که شیخ منفرد علیه
تأثیف خوده و آن کتاب است متعلق بر احادیث کثیره هر در رأ طایفه مبتدعه دیگر کتاب الاقتصاد و کتاب بالغیه و کتاب حمال
شیخ ابو جعفر طوسی است و کتاب قرب الاستاد علی بن بابویه قمی و کتاب اعتقادات و کتاب مرشد پرس شیخ ابو جعفر قمی
و کتاب بیان الادیات که قبل اذین مذکور شده و کتاب ایجاد المطالب و کتاب هادی الى الجاہة ابن حزم و کتاب نفع
الحق و کشف الصدق علامه و کتاب احتجاج شیخ طبری و کتاب اعتقاد دربستی و کتاب الفضول المأته و کتاب اسرار
الامامه و کتاب مطاعن الجرمیه که شیخ علی بن عبد العال فوشه و کتاب عدۃ المقال که فتوی شیخ حسن تالین کرده و کتاب
حدیقه الشیعه که ملا احمد دیلسی فوشه و درین نیز بسیار کسی از فضلای شیعه کتابهای و رساله اشتبه بر مذمت این فرقه
نه اند مانند کتاب بضاعة الجاہة و کتاب رواییه المژہین و کتاب فضایع المبتدعه و کتاب نصیحته الکرام و کتاب نسلیه الشیعه
و کتاب عین الحیاۃ که ملا محمد پیر طاهری فوشه و کتاب درر الاسرار و کتاب درر فارغ و کتاب ملک المرشدین
و کتاب مقصد المهدیین و کتاب ذخیرة المؤمنین و کتاب شهاب المؤمنین و رساله ارغام و رساله نزع الصوت
و رساله سیوف حاده و رساله انقوب الشهاب و رساله اعلام الجین و رساله کتاب سهام مارکه که شیخ علی شیراز
شیخ شهید فوشه و کتاب تحفة الاخیار که بعد از نیمه هی ملا محمد طاهر شیخ الاسلام تم فوشه و از برای شاه عباس
ثانی اشاره اند بر هانه فوستاده تا حقیقت صوفیه ظاهر کرده تم مائقن من الرساله الموسوہ بلطفایه العاقلين رحمة الله
علی مؤلفها و علی جمع المؤمنین پس بدان ای عزیز که ملا محمد طاهر در پشت کتاب تحفة الاخیار فوستی ملک که در اینجا که مشتمل است
بر چندین مطلب اذ اجمله فوشه است که مطلب پیت و ششم در ذکر عبارات کتاب حدیقة الشیعه است و این عبارات
شتم است بر مذمت تصکیل داہل تصور و این کتاب مشهور است که در پیش انتیف صاحب کلاس علی و علی جوانان احمدزاده
تم اشید و معلم ملا محمد طاهر دیگر دانم از پیشوی مردمان معتبر شهید که احمد سیک یوریانی کتاب حدیقة الشیعه که در زمان
محنت فوشه و علوم نشد که از سیان بعد دخیله و در پیش ایام و قریبی که باقی کرد رحید را با ادھن از حدیقة الشیعه ملا احمد
انتخاب کرده بروند و دیگری از دکانهای کتاب و ورشان بستر رسید و در بسیار جایی این کتاب کان دار و در زمان حصن فوشه
شده کسانی که از برای دنیا و اش بپلا و محلوا از پی مبتدعه افتاده اند چه بسیار میکویند کوش بعنی ایشان نیز اشان کرد حقیقت از

نسخه‌ای از کتاب بخاری وقف آستان قدس، موجود در کتابخانه مجلس

یک موضوع جالب برای من، استفاده از آثار حديثی، تفسیری و تاریخی کهن اهل سنت توسط عالمان شیعی ایرانی از صفوی تا قاجاری است. اینکه مثلاً آیا از تاریخ طبری استفاده شده است یا خیر؟ یا مثلاً از خود کتاب بخاری و مسلم استفاده می‌کرده‌اند یا خیر؟ این را به خصوص از آثار میرزا عبدالله افندی می‌توان دریافت. منبع دیگر، نسخه‌های مهم آثار اهل سنت در کتابخانه‌های بزرگ است که باید بررسی شوند.

امروز تصویریک نسخه از صحیح بخاری را دیدم که از ابتدا و انتهای ناقص بود. اما روی صفحه اول آن چند یادداشت جالب وجود داشت که می‌شد گردش آن را در کتابخانه‌های ایران دید.

قدیمی‌ترین یادداشت این بود:

از جمله هفتصد مجلدی است که از دارالسلطنه اصفهان ارسال شده، به تاریخ شهر محرم الحرام ۱۱۵۴ تخریقی ئیل داخل عرض شد. «مهر»

به تاریخ شهر ربیع الاول ۱۱۹۶ داخل عرض شد. «مهر»

۱۲۳۰ داخل عرض شد [مهر]: عبده الراجح فضل الله

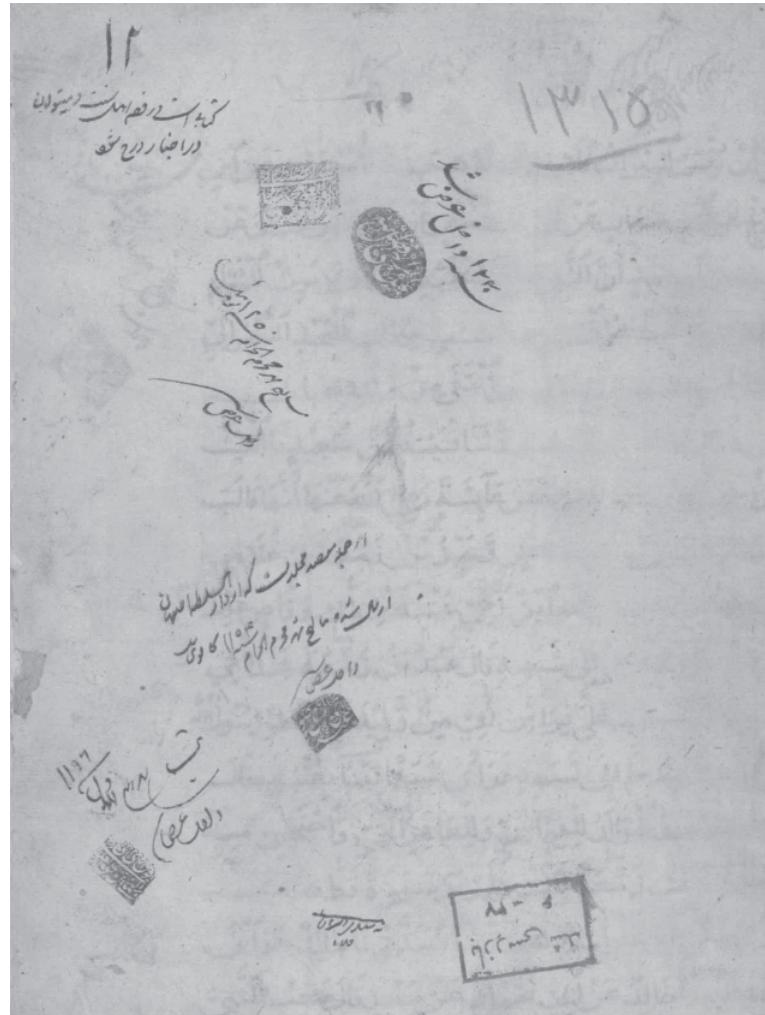
به تاریخ شهر محرم الحرام ۱۲۵۰ لویی ئیل داخل عرض شد. [بدون مهر]

در روی همین صفحه، یک مهر مستطیل آبی هم دارد که «الطباطبائی» بالای آن خوانده می‌شود.

به علاوه بالای آن نوشته شده: ۱۲: کتابی است در فقه اهل سنت و می‌توان در اخبار درج شود.

در انتهای نسخه، پایین صفحه آخرنوشته شده: یکشنبه ۲۷ شهر جمادی الآخره لوی ئیل ۱۲۹۷ داخل عرض (۱۲) کتابخانه مبارکه آستان قدس شد. (در این صفحه پنج مهر هست).

بدون شک نسخه متعلق به آستان قدس بوده، اما اکنون در کتابخانه مجلس به شماره ۱۳۱۵ طباطبائی نگهداری می‌شود. علاوه بر یادداشت صریح بالا، در فریم ۵ و ۲۹ و برخی دیگر و نیز فریم ۱۳۷ که فریم آخر کتاب است، مهروقف کتابخانه هم آمده است. «وقف سرکار فیض آثار حضرت ثامن‌الائمه سلام الله عليه».

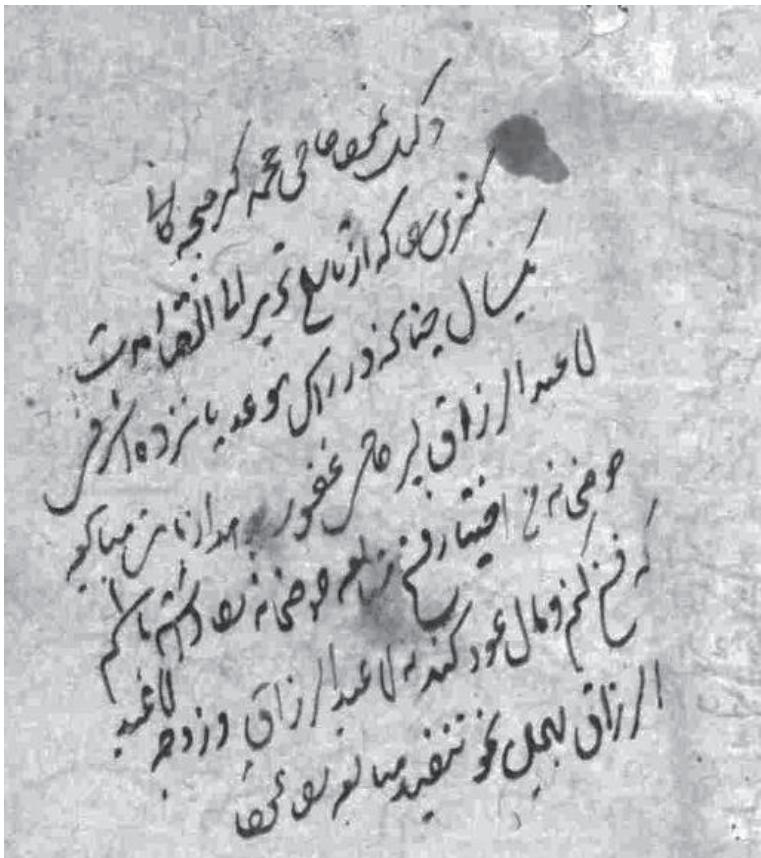


پک سند قاجاری از کرمجگان قم

یادداشتی است در پشت یک نسخه خطی که می‌گوید حاجی محمد کرم‌گانی نویسنده را وکیل کرده است تا از آقابعدالرزاق حوضخانه ای را به قیمت پانزده اشرفی بخرد

متأسفانه یادداشت تاریخ ندارد، اما همین مقدار هم سودمند است.
متن این است: (عکسش را هم خواهم آورد):

وکیل نمود حاجی محمد کرمجہ گانی کمترین را که از تاریخ تحریر
الی انقضای مدت یک سال چنانچه در رأس موعد، پائزده اشرفی
آقا عبدالرزاق پسر حاجی غفور بدهد از بابت مبایعه حوضخانه. من
اختیار فسخ مبایعه حوضخانه را داشته باشم که فسخ کنم و مال
عودت کند به آقا عبدالرزاق؛ وزوجه آقا عبدالرزاق به همین نحو تنبیه
مبایعه را نمود.



صورت درآمد عبدالحسین خان لسان‌السلطنه ملک‌المورخین سپهر کاشی در سال ۱۳۱۵ق / ۱۸۹۷م

عبدالحسین خان سپهی، معروف ترین کتابش ناسخ التواریخ است، اما جزآن هم آثار فراوان دیگری دارد. با این حال، شغل اصلی او اواخر دوره ناصری، منشی‌گری مخصوص میرزا علی اصغر اتابک و پس از مرگ ناصرالدین شاه، آجودانی و معلمی مظفرالدین شاه و همچنان انجام کارهای امینالسلطان بود. هردو لقب ملک المورخین و لسان السلطنه را از مظفرالدین شاه گرفت. سپهروزنامه نگاری هم می‌کرد و در جریان مشروطه، مشروطه خواه و انقلابی شد و به بختیاری ها هم نزدیک شد. برای همین، تاریخ بختیاری را برای صمصام السلطنه نوشت. سپس از آنها کناره گرفت. مدتی ریاست اوقاف کاشان را داشت و آخر عمر مدیریک دبستان شد. (بنگرید مقدمه مرأت الواقع مظفری، ص ۲۰) در همانجا نوشته است که مردی بود که ثروت نیند و خوت و با مناعت زندگی کرد! صفحه زیریادداشتی است از خود او که درآمد یک سالش را از منابع مختلف آورده است، از کاشان، اصفهان، و نیز اجاره‌نامه‌هایی که داشته است.

نکته جالب در این برگ، درآمدی است که از کتاب داشته است. پولی از برات دیوان بابت چاپ کتاب امام [سجاد] علیه السلام گرفته که قابل توجه است. درآمدی هم بابت کتاب طراز المذهب [در شرح احوال حضرت زینب] از میرزا احمد امین الصنایع گرفته که اورامی شناسیم و فعالیت‌های نشر و نگارش و آموزشی اورامی دانیم. نام وی بارها و بارها در فهرست کتاب‌های چاپی مشارک آمده که به مثابه ناشر است. در منابع از او با عنوان «وکیل روزنامجات» یا «وکیل جراید فارسیه» هم یاد شده است. یک مورد هم «از بابت مقابله کتاب حضرت سجاد» است که مبلغ ۲۱۲ تومان است. مقصود از مقابله چیست؟ آیا همان است که امروز ما مراد می‌کنیم؟ شاید!

در میان این ارقام، درآمد او از کاشان ۵۲۰ رقم خوبی است، اما مهم‌تر از آن برات دیوانی بابت طبع کتاب امام (علیه السلام) است که به احتمال زیاد مخارج چاپ بوده و بسا به خود او چیزی نرسیده است. جمع این مبالغ ۳۳۶۴ تومان است که باید ۸ + ۹ قران راه برآن افزود که جمیعاً شود ۳۳۶۵ تومان و ۷ قران.

متن سند:

يا خير الواسعين

صورت مداخل هده السننه ايت ائيل سعادت دليل سنه ۱۳۱۵ق
کاشان: ۵۲۰ تومان

واجب اصفهان: ۲۶۰ تومان

واجب اهل خانه: ۱۰۰ تومان

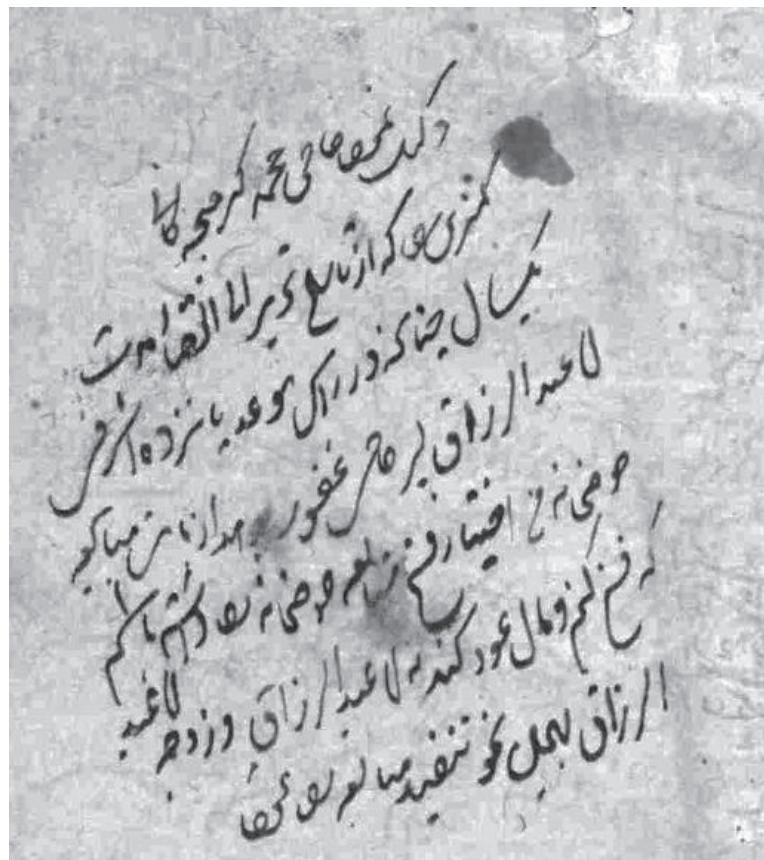
طلب سنن ماضيه: ۱۰۰ تومان

اجاره نامه ملکی: ۳۶ تومان

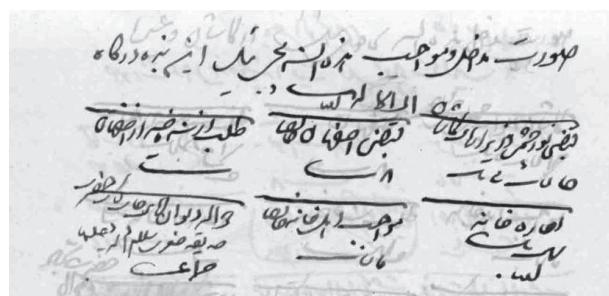
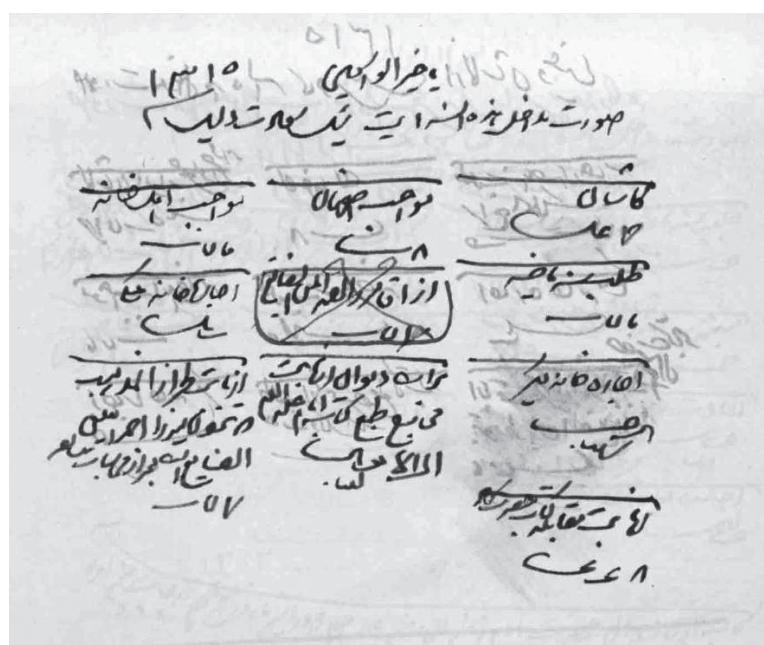
اجاره خانه دیگر: ۵۷ تومان و ۸ قران

برات دیوان از بابت مخارج طبع کتاب امام (علیه السلام): ۱۴۷۹:
تومان و ۹ قران

از بابت طراز المذهب که نزد آقا میرزا احمد امین الصنایع است بعد از محاسبات مبایعه؟: ۶۰۰ تومان



از بابت مقابله کتاب حضرت سجاد ۲۱۲ تومان



یادداشت دیگری از ملک المورخین سپهر. بند آخر نشان می‌دهد که دیوان دولتی، هزینه چاپ مجلدات ناسخ التواریخ را پرداخت می‌کرده است. این برای جلد حضرت صدیقه طاهره:

راه راست برای شاه سلطان حسین صفوی

راه راست عنوان رساله‌ای است در اصول دین که در روزگار شاه سلطان حسین صفوی، توسط فردی به نام محمد باقر بن محمد حسین طبیب نوشته شده است. رساله‌های اصول دین در تمام ادوار تاریخ از طرف همه فرقه‌های مذهبی فراوان اند؛ چراکه رساله‌هایی هستند مورد نیاز عامه مردم، و علاوه بر اینکه باید به زبان روز نوشته شوند تا مردم عادی از آنها استفاده کنند، می‌باید مطابق دیدگاه‌های رایج کلامی در سطح کلان و نخبگان هم قابل استفاده یا دست کم قابل تأیید باشند. از نظر سیک و سیاق نگارش و مطابقت با اصول، نباید از موجه‌های فکری رایج زمان غافل ماند؛ اینکه به هر حال در هر دوره، مسائل و گرایش‌هایی مطرح شده و روی باورهای عمومی تأثیر می‌گذارد. اینکه مثلاً جنبش ضدفلسفی حاکم بر جو فکری زمانه باشد یا طرفداری از فلسفه، به هر دلیل، طبیعی است که روی رساله‌های اصول دین اثر خود را می‌گذارد.

در دوره اخیر صفوی، همزمان با غلبه نگرش اخباری، منازعه‌ای در سطح همین رساله‌ها، در اینکه از باورهای فلسفی کلامی قدیمی نشأت بگیرند یا مانند آثار مرحوم مجلسی به ترجمه احادیث بپردازند وجود داشت. اصولاً ساختار تفکر شیعی از قرون درازی پیش از این دوره، بر اساس نگرش کلامی طراحی شده بود. این وضع از بغداد قرن چهارم به بعد در شکل دهی به ساختار کلامی و عقلی در حوزه‌های علمی شیعه حضور داشت و در مکتب حله و سپس نجف قدرت یافت. خواجه نصیر و سپس علامه حلی این روال را استوار کردند و این میراث سپس به دوره صفوی رسید.

تاریخیهای صفوی مبانی کلامی دوره میانه اسلامی در رساله‌های اعتقادی ادامه یافت و در نیمه دوم، اخباری‌گری به آرامی به کنار زدن آن مشغول شد. چندین دهه فعالیت محدثان که او جانشینی عالمه مجلسی بود و البته خودش ضمن اخباری بودن، تحت تأثیر و زیر سلطه ساختار کلامی بود، جایی برای اصول دین به روش و سبک اخباری را ایجاد کرد، اما با این حال، نه فلسفه خوانی تعطیل شد و نه آن مبانی تغییر عمدتی یافت. در سه چهار قرن اخیر به خصوص در دو قرن گذشته به دلیل ورود شباهت جدید فکری باز هم تمسک به ساختار فلسفی: کلامی قدیم را برای دفاع از اصول دین تقویت کرده و جریان‌های معارض از نوع آنچه می‌توان به آنها اخباری گفت، توسعه محدودی یافته‌اند.

رساله راه راست که بسيار کم شناخته شده و از آن نسخ منحصر به فرد مانده و حتی در ذریعه هم يادي از آن نیست، از رسائل کلامی اين دوره به حساب می آيد. در مقدمه اش آمده است: «و بعد: بر خرد بصیر خبر پوشیده نیست که معرفت حق سبحانه و تعالى، ثمره دانش و بینش اهل ایقان است، و ايمان، به اتفاق علماء و دانشمندان عقلدارين مطلب عظیمی، لابد است از دليل و برهاني که سبب اطمینان قلب و جمعیت خاطرگردد. بنابرین، اين بخاطر فاطر پست پايه دودمان دانش در کارخانه آفرينش، المتوجه برئه، محمد باقر ابن محمد حسین الطیب. عفى الله عنهمما رسید که مختصري که به ضبط اقرب باشد، و در نهايیت واضح، و هر يك از مطالب آن مشتمل بر دليل عقلی، و مبتنی بر بيان و تبيان که خداوند در محکمات قرآن مجید فرموده، و مبنی از دليل و راهی که پیغمبر آخر الزمان و آئمه معصومین (صلوات الله عليهم اجمعین) در جوامع کلم بيان نموده اند، در اثبات واجب الوجود (تعالی شانه) و آنچه متعلق به آن است، به زبان فارسی در سلک تقریر و تحریر درآورده، تا همگی طوایف انانم، از خواص و عوام، از آن محظوظ و بهره مند گرددند».

چنان‌که در عبارت بالا شاهدیم، بحث از «دلیل عقلی» ابتداء‌آمده و سپس استفاده از کلام خدا، رسول و امامان پس از آن درج شده است. در همان ابتداء باید گفت به کاربرden تعبیر «واجب الوجود» که نشانی است عمومی و ساده بر اینکه، وش و میانه، کلام خواهد بود، ما، ای ایسک کلام، نوستنده آشنا می‌کند.

وی سپس به رسم معهود، کتاب را به شاه سلطان حسین تقدیم کرده، اورا با القاب فراوان می‌ستاید: «وازآنجا که عادتی است قدیم، ورسمی کهن، وبرهمگی وکافه ارباب دانش و بینش به ملاحظه احوال خویشتن ظاهر و روشن که هر کس راتمثای آنکه آنچه اعْرَدَنَد، وتحفه شمارد، اهدا و اتحاف نماید به جانب برگزیده دوران و فرمان فرمای زمان این ... بضاعت نیزهای آن برسرافتاد که این رساله، منظور نظر ایستادگان پایه سریرگردن اعلیٰ حضرت نواب همایون شاهی ظلّ اللهی عالمیان پناهی ملایک سپاهی، سلطان زمان شهنشاه دوران صاحب قران، کشور سтан سکندرشأن سلطان نشان، خاقان اعظم پادشاه عالم، مالک رقاب امم، مولی ملوک العرب والعجم، زبده خاندان نبّوت و رسالت، خلاصه دودمان هدایت و ولایت، محبوب یزدان، محبت خاندان رحیم درویش نواز و جبار دشمن‌گذار، قره باسره‌ی [!] سلطنت وجهانگردی، غرّه ناصیه‌ی عظمت و کشورستانی، سالک مسالک جهانداری، راسم مراسم شهریاری رافع رایات کامکاری، بانی مبانی استواری، سکّه ذهب سروری، مرّقج مذهب حق جعفری، درّ درج شهریاری، درّی برج بختیاری، عارج معارج رفیعه، ناصب مناصب جلیله، مظہر رایات حلیه، مظہر رایات علیه، مطلع انوار «الملک والدین توأمان» مجتمع آثار «إن الله يأمر بالعدل والاحسان» باسط الامن والامان، الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، ابوالمظفر ابوالمؤید شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی بهادرخان. اعلیٰ الله تعالى الولیة ملکه و سلطانه و مدد علی البریة أطلة عدله و احسانه. گردد، مأمول چنان است که ان شاء الله این رساله که مسمی است به «راه راست» و از اعتبار خالی است، نسبت به مؤلف به اعتبار مطالب آن که مقاصد عالی است، به درجه عالی از اعتبار رسیده، منظور نظر ذرّه پور کیمیا اثرگردد.

مؤلف پس از این مقدمات، فصل‌بندی کتاب را که با استفاده از عنوان «مطلع» ترتیب داده آغاز می‌کند. اولین عنوان «مطلع اول در اثبات واجب الوجود» است. (فریم ۶) روشن است که روش کلامی است و وی پس از ارائه ادله اثبات خدا، آیاتی از قرآن و سپس روایاتی از معصومین می‌آورد. ما با ادبیات مخالفان روش کلامی آشنا هستیم که اساساً با به کار بردن مفاهیم رایج در نوشه‌های کلامی مخالف هستند، در حالی که در اینجا اساس همان ادبیات است. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که در این رساله، از همان سبک کلامی قدیم با ترکیبی از آیات و روایات استفاده می‌شود. مطلع دوم «در احادیث واجب الوجود» است. (فریم ۱۰) نشراور در استفاده از استدلال‌های کلامی و فلسفی آسان و چنان‌که در آغاز هم گفته بود، روش چنان است که خواص و عوام آن را درک کنند. مطلع سوم در «توحید واجب الوجود» است. (فریم ۱۱) و سپس صفات واجب الوجود (۱۶) که به تفصیل از روایات و خطبه‌های امام علی(ع) هم استفاده می‌کند. سبک نویسنده جنبه‌های تازه هم دارد و می‌کوشد صرف‌آ در چارچوب‌های قبلی نمانده و از خود نیز شرح و بسطی با استفاده از تحلیل‌های عقلی و روایی داشته باشد. مطلع دهم در نبوت (فریم ۵۰) پس از توحید آمده است. در اینجا شرحی درباره جایگاه نبوت و علت نیاز به نبی با توجه به ملاحظات اجتماعی و فسادهای جاری به دست داده است. مطلع یازدهم در امامت (فریم ۵۵) دنباله آن آمده و علاوه بر اصل امامت، به اثبات امامت امامان هم پرداخته است. مطلع دوازدهم درباره معاد است (فریم ۷۴) که کتاب با آن پایان می‌یابد. در مجموعه کتابچه‌ای کوتاه با خطی خوش و عباراتی صریح و سلیس است که مطابق روش ترکیبی مؤلف در استفاده از کلام و حدیث سعی کرده است برای عامه مردم یک کتاب «اصول دین» بنگارد و نام زیبای «راه راست» را برآن نهاده است.

4

من نقوم فالثون منها البطن فشاربون عليه
من الجمِّ فشاربون شرب المضم وغرازيات و
هُنَّ لام روحاني چون علم به بُلزار خلاود
واز صحبت سعدا وصور خالود در فار وعده مکا
خلاص و معادوت بدینها از برای تخصیل
و پشماني از قضيبيع او قات در دنها و عدم حضور
توقع داشتند مثل چون هار و خالق نز عقاید و لعنه
خوش را باعث فوز بسعادات می‌پنداشتند چون
عقب خلاف متصوّر از برای این باعلم می‌پذباعث
روحاني عظیم می‌شود و افرار بیدی چود مینمایند
همین در فرقان مجید می‌فرمایند از زبان این اثنا
اطعا سادتنا و کبر اثنا فاضلوا فما السپيلا و قوله
رین اغلبت علينا شقوتنا و قوله احیئنا الشتین و
امتنا اثنتین فاعترفنا بذنبينا فهل الخروج من سبل
غير ذلك من الابيات هي هـ

